



صنعت بیمه قدرت نفوذ ندارد

زهرا مهدور

تعیین می‌کنند، درصدی پایین‌تر می‌آیند و به این ترتیب پرتفوی‌ها جابه‌جا می‌شود. به جای اینکه نهاد ناظر بر صنعت بیمه جلوی فعالیت شرکت‌های این‌چنینی را بگیرد، در کمال آسودگی وضعیت موجود را گل و بلبل توصیف می‌کند. بیمه مرکزی با بی‌اعتنایی تا جایی پیش رفته که مدیران شرکت‌های بیمه در حاشیه فریاد می‌زنند صنعت بیمه ایران در خطر است، با ادامه این وضع آبرو و حیثیتی برای این صنعت نمی‌ماند.

در زمانی که نرخ‌شکنی‌ها در صنعت بیمه به اوج نرسیده بود، رئیس کل بیمه مرکزی خطاب به شرکت‌های بیمه‌ای گفت: شاید در ابتدا با نرخ‌شکنی بازار را متصرف شوید، اما واقعیت این است که هر چه میزان این نوع کار کردها بیشتر شود، مشکلات بیشتری برای شما به وجود می‌آید و توان پرداخت‌هایی را به عنوان ضرر و زیان وارده نخواهید داشت. وی ضمن تأکید بر اینکه شرکت‌های بیمه‌ای باید مدیریت ریسک را نسبت به گرفتن بازار در اولویت قرار دهند، هشدار داد: اگر شرکت‌های نرخ‌شکن، روش‌های خود را در مسیر اصلاح قرار ندهند، شورای عالی بیمه فعالیت این شرکت‌ها را تعلیق می‌کند، در این صورت، شرکتی که به مرحله تعلیق برسد، آگهی عمومی می‌شود و دیگر حق ارائه هیچ‌گونه خدمات بیمه‌ای را ندارند.

به‌رغم آنکه با گذشت زمان، اولتیماتوم‌های آقای رئیس‌جمهوری جدی‌تر شد و وی از احضار دو شرکت بیمه‌ای به شورای عالی بیمه به جهت نرخ‌شکنی در بازار و از احتمال ابطال قراردادهای آنان خبر داد، دیری نگذشت که آقای رئیس‌جمهوری طی نشست خبری با

شرکت بیمه‌ای می‌شود. البته ناگفته نماند که در این فضای رقابتی تنها نرخ مطرح نیست، گستردگی شبکه و توان فنی و مالی شرکت‌های بیمه‌ای، بویژه وجود نیروهای متخصص از اهمیت بسزایی برخوردار است. اما اکنون که صنعت بیمه در گذر از مراحل آزادسازی است، بهتر است توجه شما را به مطلبی جلب کنیم که بی‌راه نیست؛ به‌رغم اینکه بیمه مرکزی به عنوان نهاد ناظر بر صنعت بیمه کشور، آزادسازی نرخ‌ها را به صورت تدریجی آغاز کرده، تا کنون هیچ فکری برای اعمال نظارت‌های مالی حین اجرای آزادسازی نرخ‌ها نکرده است.

این غفلت نهاد ناظر باعث شده که برخی شرکت‌های بیمه‌ای از این فرصت استفاده کنند و لجام‌گسیخته نرخ غیرفنی به بازار ارائه دهند. بنابراین بدون ارزیابی ریسک، نرخ‌ها پایین آورده می‌شود و در صورت عدم تناسب نرخ با خسارت، در درجه اول شرکت بیمه‌ای توان خود را برای ادامه فعالیت در بازار از دست می‌دهد و در درجه دوم، صنعت بیمه زمین می‌خورد. بازتاب ارائه نرخ‌های غیرفنی در چند سال آینده مشخص می‌شود، پس بازیگران صنعت بیمه تا دیر نشده و این نرخ‌های غیرفنی صنعت بیمه را از پا در نیاورده است، باید برای این وضعیت فکری عاجل کنند. با وجود اینکه گردانندگان صنعت بیمه از نرخ‌شکنی‌های دوستان خود شکایت دارند، نهاد ناظر همچنان در بی‌اعتنایی به سر می‌برد. بیمه‌گری مبتنی بر ارزیابی ریسک است، اما برخی از بازیگران صنعت بیمه برای ارزیابی ریسک و تعیین نرخ، سازمان مناسب و شرایط فنی ندارند و به دست دیگران می‌نگرند. هر نحی را که شرکت‌های بزرگ

صنعت بیمه ایران به‌رغم سابقه نسبتاً طولانی، همچنان نیاز به توسعه‌یافتگی را در خود احساس نمی‌کند. در شرایطی که صنعت بیمه در جهان، مراحل توسعه را یکی پس از دیگری طی می‌کند، صنعت بیمه ما در گلوگاه توسعه متوقف شده است. جایگاه بین‌المللی هر کشوری در گرو رشد و توسعه اقتصادی آن کشور است. صنعت بیمه نیز به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی مطرح می‌شود، اما متأسفانه صنعت بیمه کشور ما از منظر بین‌المللی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد. در شرایط فعلی، صنعت بیمه ایران از یک سو گرفتار تحریم است و از سوی دیگر در جدی‌ترین مرحله تحول، یعنی آزادسازی تعرفه‌ها به سر می‌برد. چالش‌های داخلی این صنعت نیز کم نیست. بنابراین نه تنها از منظر داخلی، بلکه به لحاظ خارجی نیز صنعت بیمه ایران در وضعیت بحرانی قرار دارد.

بد نیست نگاهی به چالش‌های پیش روی صنعت بیمه ایران بیندازیم؛ شاید روزی ناجی جدیدی برای این صنعت پیدا شود و این بازار پرسود را از عصر تاریکی به روشنایی هدایت کند. «آزادسازی تعرفه» اولین آزمون صنعت بیمه ایران است؛ پیش از این، سازمان متولی صنعت بیمه نرخ مدونی را به منظور جلوگیری از اجحاف به بیمه‌گذاران به شرکت‌های بیمه‌ای ابلاغ می‌کرد اما اکنون در نظام آزاد تعرفه این شرکت‌های بیمه‌ای هستند که باید به محاسبه ریسک بپردازند و آن را به بازار ارائه دهند. اگر شرکت بیمه‌ای توان فنی لازم برای ارزیابی ریسک و آکچوئری نداشته باشد، به گونه‌ای که نرخ حق بیمه را کمتر از نرخ واقعی محاسبه کند، این امر در نهایت موجب ورشکستگی

خبرنگاران به تغییر مواضع پرداخت و اعلام کرد: من اصلاً نرخ‌شکنی در بازار را قبول ندارم؛ در بازار رقابتی نرخی وجود ندارد تا نرخ‌شکنی انجام شود، آنچه آبرو و حیثیت صنعت بیمه را می‌برد و آن را به خطر می‌اندازد، دامپینگ و تیبانی است.

پس از این گونه اظهارات، مدیرعامل یک شرکت بیمه‌ای خصوصی اعلام می‌کند، ما شرکت‌های کوچک بیمه‌ای نمی‌توانیم دامپینگ کنیم، چرا که سرمایه و پرتفوی پایینی در اختیار داریم. وی به وجود ۱۶ شرکت بیمه‌ای خصوصی در کشور و سهم ۲۰ درصدی آنها از بازار بیمه اشاره کرد و افزود: این شرکت‌ها با سهم ۲ درصدی خود توان دامپینگ ندارند و در همان مراحل اولیه آثار و عوارض زیان‌دهی دامپینگ نمایان می‌شود.

به گفته وی، تنها شرکت‌هایی توان انجام دامپینگ را دارند که از بازار سهم بسیاری در اختیار دارند، تحت نظارت دقیق و حساب شده نیستند و رانت بالایی را در دسترس دارند که با استفاده از رانت، ضرر این بخش را جبران می‌کنند. دامپینگ از ناحیه شرکت‌های بزرگ اتفاق می‌افتد که با هدف توسعه سهم خود از بازار، به حذف رقیبان بیمه‌ای کوچک و نوپا می‌پردازند.

پس از اظهار نظر این شرکت بیمه‌ای خصوصی، مدیرعامل بزرگ‌ترین شرکت بیمه‌ای دولتی به صحنه آمد و گفت: ما را به دامپینگ متهم نکنید، توانمندی‌های فنی خود را افزایش دهید.

به گفته وی، شرکت‌های بیمه‌ای توانمندی لازم را در ارزیابی ریسک ندارند و پوشاندن ناتوانی‌های خود، شرکت‌های رقیب را به دامپینگ متهم می‌کنند.

همه بازیگران صنعت بیمه بر این مسئله متفق‌القولند که برخی به جهت عدم نظارت مالی از سوی نهاد ناظر فرصت پیدا کردند تا به صورت لجام‌گسیخته، نرخ غیرفنی ارائه دهند. با این تفاسیر، بهتر است تعارف نداشته باشیم، صنعت بیمه ایران از نیروهای متخصص ارزیابی ریسک نیز بی‌بهره است. این صنعت بدون وجود نیروهای متخصص آچوئتری، روزهای سختی را در گذر از آزادسازی تعرفه‌ها در پیش دارد. نباید از نظر دور بماند که نزدیک به ۵۰ درصد نیروی انسانی صنعت بیمه مدرک دیپلم دارند، در نتیجه از چنین صنعتی نباید انتظار زیادی داشت. ضریب نفوذ ناچیز بیمه نیز یکی دیگر از چالش‌های صنعت بیمه است که کمتر کسی را در این صنعت می‌توان یافت که بر آن مهر تأیید نزنند. گویا قرار نیست صنعت بیمه ایران تحرکی در این مسئله داشته باشد و به نوعی باید گفت ضریب نفوذ ۱/۳ درصدی صنعت بیمه ایران تثبیت شده است. تفاوت فاحش ضریب نفوذ بیمه در ایران و جهان نیز از نظرها گذشته و برای کسی تازگی ندارد.

نیم‌نگاهی هم به بیمه اجباری شخص ثالث می‌اندازیم که می‌توان به‌جرات گفت همگان بیمه را با این رشته شناختند؛ بیمه‌ای که خود بیمه‌ای‌ها نیز دل خوشی از آن ندارند و چند سالی است که لقب زیان‌ده را برای این رشته بیمه‌ای به کار می‌بندند. نرخ این رشته بیمه در دست دولت است و تا کنون به گونه‌ای تعیین شده که تمامی شرکت‌ها معترفند این رشته از مرز زیان‌دهی گذشته و شرکت‌ها را به سمت ضرر پیش می‌برد.

انتقاد دیگری که می‌توان به صنعت باسابقه بیمه ایران گرفت، ضریب نفوذ پایین در بیمه‌های زندگی است. در حالی که سهم بیمه‌های زندگی و عمر در دنیا بالاتر

از ۶۰ درصد است، سهم بیمه‌های زندگی در بازار بیمه ایران پایین‌تر از ۶ درصد است و این یعنی اینکه صنعت بیمه ایران از بازار پرسود این رشته بیمه‌ای بی‌نصیب مانده است. به‌رغم اینکه بیمه‌های عمر و زندگی در کشورهای توسعه‌یافته از سودآوری بالایی برخوردارند و لقب پرطرفدارترین و سودآورترین رشته را در کشورهای اروپایی به خود اختصاص داده‌اند، بازار بیمه ایران به دلیل نبود شبکه فروش کارآمد و متخصص از توسعه‌یافتگی در این رشته نیز عقب مانده است. گفتنی‌ها از این صنعت زیاد است؛ در شرایط فعلی صنعت بیمه ایران نقاط قوت کمی دارد و در عوض چالش‌هایی که تمامی ندارد.

جواد سهامیان مقدم، رئیس شورای عمومی سندیکای بیمه‌گران، معتقد است، در شرایط فعلی مهم‌ترین اقدام برای صنعت بیمه کشور اعمال نظارت‌های مالی حین اجرای آزادسازی نرخ‌هاست، اگر در هنگام آزادسازی تعرفه‌ها، نظارت مالی اعمال نشود، صنعت بیمه با چالش جدی مواجه خواهد شد که این امر تبعات سنگینی را به دنبال دارد. وی بر شکل‌گیری نظارت مالی در صنعت بیمه تأکید کرد و گفت: شرکت‌های بیمه‌ای در زمان آزادسازی تعرفه‌ها باید مجهز به ابزاری باشند و باید این ابزار مورد رسیدگی قرار گیرد. به گفته وی، هم‌اکنون برخی به جهت عدم نظارت مالی فرصت پیدا کردند تا بدون ارزیابی‌های لازم و به صورت لجام‌گسیخته، نرخ غیرفنی ارائه دهند. وی می‌گوید، نبود نظارت مالی در هنگام آزادسازی تعرفه‌ها، صنعت بیمه را با چالش جدی مواجه خواهد کرد.

وی ضمن تأکید بر تناسب نرخ و خسارت در شرکت‌های بیمه‌ای هشدار می‌دهد: عدم تناسب نرخ و خسارت با یکدیگر موجب می‌شود شرکت‌های بیمه‌ای توان اداره شرکت خود را از دست بدهند. به گفته مدیرعامل بزرگ‌ترین و تنهاترین شرکت بیمه‌ای دولتی، هم‌اکنون برخی از شرکت‌های بیمه‌ای، در سفره دیگر شرکت‌ها دست می‌برند، صنعت بیمه چاره‌ای ندارد، جز آنکه در جهت غنای سطح علمی کادر فنی خود گام بردارد. وی بر این اعتقاد است که اگر در این شرایط صنعت بیمه از نیروهای متخصص بی‌نصیب باشد، باید این امر را پذیرفت که ارزیابی‌های ریسک واقعی نخواهد بود و نرخ‌ها بدرستی تعیین نشده است.

محمد آسوده، مدیرعامل سابق شرکت بیمه ایران و مدیرعامل فعلی شرکت بیمه اتکایی ایرانیان، جدی‌ترین چالش صنعت بیمه را رقابت‌های ناسالم شرکت‌های بیمه‌ای می‌داند. وی به آزادسازی تعرفه‌ها در صنعت بیمه اشاره می‌کند و می‌گوید: اساس آزادسازی تعرفه‌ها بر اعمال نرخ فنی است، شرکت‌های بیمه‌ای باید با یکدیگر هماهنگ باشند و نرخ‌های فنی بیمه‌ای ارائه دهند و پایین‌تر از نرخ فنی نروند، در غیر این صورت، در آینده با مشکل مواجه می‌شوند.

آسوده در ادامه نبود پایگاه‌های اطلاعاتی و عدم استفاده به‌روز از تکنولوژی اطلاعات را از دیگر چالش‌های صنعت بیمه معرفی می‌کند. به گفته وی اگر شرکت‌های بیمه‌ای پایگاه‌های اطلاعاتی قوی‌تر از زمان حاضر داشته باشند و آمارشان به‌روز باشد، بهتر می‌توانند به مردم سرویس ارائه کنند. به این ترتیب، آمار تقلبات و ضایعات کاهش پیدا می‌کند و نرخ‌های مناسب‌تری به مردم ارائه می‌شود و بر اساس آن، شرکت‌های بیمه‌ای می‌توانند تحلیل ریسک بهتری

داشته باشند.

از سوی دیگر، محمد عباسی، مدیرعامل شرکت بیمه معلم، درباره چالش‌های صنعت بیمه می‌گوید: از یک طرف گرفتار رانت هستیم، از یک طرف گرفتار دامپینگ و از طرف دیگر هم آزادسازی تعرفه‌ها. این یعنی یک فشار همه‌جانبه به شرکت‌های بیمه‌ای، بویژه شرکت‌های بیمه‌ای خصوصی. وی معتقد است، زمانی که بحث آزادسازی در صنعت بیمه مطرح شد، مسئله تحریم‌ها به این شدت نبود، بنابراین هم‌اکنون باید رفتاری داشته باشیم که بتوانیم بر این تحریم‌ها غلبه کنیم.

به گفته وی، هم‌زمان نمی‌توانیم دو گونه سیاست داخلی و خارجی نامتوازن را اجرایی کنیم، چرا که ممکن است به توانمندی‌های ما برای مقابله با تحریم‌ها صدمه بزند. امروز باید تمام توان و تلاش خود را برای مقابله با تحریم‌ها به کار بندیم. مدیرعامل شرکت بیمه معلم اظهار می‌دارد، اگر در مقابله با تحریم‌ها پیروز از صحنه بیرون بیاییم، می‌توانیم صنعت بیمه را هم نجات دهیم. وی با بیان اینکه «اجرای آزادسازی نرخ‌ها بدون ضابطه، نظارت و شبکه اطلاعاتی قطعاً به صنعت بیمه صدمه می‌زند» می‌گوید: نبود بستر لازم برای آزادسازی تعرفه‌ها، نداشتن برنامه‌های جامع و به‌هنگام برای صنعت بیمه و نبود سیستم نظارتی فراگیر صنعت بیمه را زمین می‌زند. اگر همه اینها وجود داشت، صنعت بیمه با آزادسازی تعرفه‌ها و البته بدون رانت بازار می‌توانست فعالیت خود را به شکل مطلوب‌تری ادامه دهد.

عباسی در ادامه انحصارگری را نیز یکی دیگر از چالش‌های صنعت بیمه معرفی می‌کند و می‌افزاید: عاقلانه نیست که یک شرکت دولتی و متکی بر منابع دولتی با این همه توان و پشتوانه وارد تمامی حوزه‌ها شود، ورود آن شرکت عرصه را بر شرکت‌های بیمه‌ای خصوصی تنگ می‌کند.

وی با بیان اینکه «این شرکت بیمه‌ای، جایی که باید حضور داشته باشد، ندارد» می‌گوید: باید یک شرکت دولتی وارد حوزه‌هایی شود که به صنعت بیمه کمک کند. ۹۰ درصد صنایع انرژی و بزرگ‌ماحت پوشش بیمه نیست، این شرکت دولتی همین پرتفوی را از این صنایع کسب کند؛ پرتفویی که منطبق بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های آن است. متأسفانه این بخش هم‌اکنون رها شده است، در حالی که حضور بیمه در آن بسیار ضروری است و موجب رشد و شکوفایی صنعت بیمه می‌شود. مدیرعامل شرکت بیمه معلم معتقد است، سازوکارها برای فعالیت همه‌جانبه بخش خصوصی مبهم است، در زمانی که بیمه خصوصی نداشتیم، ترکیب شورای عالی بیمه همین بود و اکنون نیز به همین منوال است. به گفته وی، تصمیم‌گیری‌های دولتی برای بخش خصوصی هرگز به نفع صنعت بیمه نیست، بیمه‌های خصوصی حتماً باید در جریان تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری قرار گیرند، چرا که آنان نیز می‌خواهند در خدمت صنعت بیمه و بیمه‌گذاران باشند، قطعاً بدون حضور بیمه‌های خصوصی، تصمیم‌گیری‌ها بر وفق مراد توسعه صنعت بیمه نخواهد بود.

حسین کریم‌خان زند، مدیرعامل شرکت بیمه پارسیان نیز مهم‌ترین چالش‌های صنعت بیمه را عدم آشنایی تمام طبقات اجتماعی از دولت مردان تا عوام با صنعت بیمه می‌داند و می‌گوید: تنها چالش صنعت بیمه این است که رشدی را که توقع دارد، به دست نیآورده است.